نظرسنجی

ضیا موحد:

ارزیابی کلی از کتاب و فرهنگ کتاب

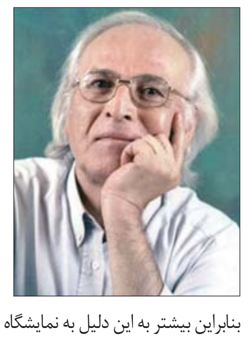

من هر سال به نمایشگاه می‌روم تا هم سری به غرفه‌های کتاب خارجی و ایرانی بزنم و هم بازدید از نمایشگاه برایم جنبه دیدن و ملاقات افراد مختلف را دارد که مدت‌هاست آنها را ندیده‌ام. در واقع هم فال و هم تماشاست وگرنه من در زمینه کار خودم، ادبیات، فلسفه و منطق در جریان کتاب‌ها و کارهایی که در طول سال منتشر شده، هستم. بنابراین بیشتر به این دلیل به نمایشگاه کتاب می‌روم که هم ملاقاتی با جمع فرهنگیان داشته باشم، هم میزان استقبال از کتاب را بررسی کنم و همچنین از کتاب‌های خارجی که ممکن است در طول سال متوجه چاپشان نشده باشم بازدید کنم. در نتیجه اساسا رفتن به نمایشگاه کتاب به معنی یک عمل فرهنگی و اجتماعی و در کل عملی لذت‌بخش است. از این‌رو شاید افراد بسیاری به نمایشگاه بروند و حتی هیچ کتابی نخرند و تنها از جمعیت و دیدارها و فضای پویا و متحرک لذت ببرند. در واقع این یکی از جذبه‌های نمایشگاه است. حال اینکه دولت چه سهمی در میزان و کیفیت این جذبه‌ها می‌تواند داشته باشد به سیاست‌های آن بستگی دارد. پس در کل، رفتن به نمایشگاه یک ارزیابی کلی از کتاب و فرهنگ کتاب در جامعه است. بنابراین بله، من هر سال به نمایشگاه کتاب می‌روم و دلایلش را هم گفتم.

سیاوش جمادی:

آنجا یک «نمایشگاه» است

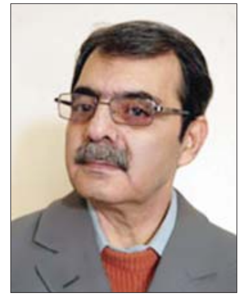

امسال نمایشگاه نخواهم رفت. پارسال هم یک‌بار رفتم و پشیمان برگشتم. بیش از هر مساله‌ای به نظرم قیمت کتاب‌ها مهم است. کسانی که واقعا کتاب‌خوانند و در حال حاضر از راه مطالعه و ترجمه و نوشتن زندگی می‌کنند، زندگی‌شان دست‌کمی ندارد از کشاورزی که به شیوه سنتی کشت و با محرومیت‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کند. مدت‌ها عنوان کرده‌اند که «هر کسی کتاب‌خوان باشد به هر شکل و قیمتی کتابش را پیدا و مطالعه می‌کند.» من این مساله را قبول ندارم، چرا که چنین تصوراتی در شرایطی که زندگی دشوار و شاق می‌شود خیالی است. اما از طرفی چون نمایشگاه کتاب هر سال یک‌بار برگزار می‌شود و جمعیت چشمگیری هم از سراسر ایران در آن مکان جمع می‌شوند، بنابراین همان‌طور که از عنوانش هم پیداست «نمایشگاه» است؛ یعنی چیزی را به صورت وانمودن به معرض نمایش می‌گذاریم تا چنین القا کنیم در ایران کتاب می‌خوانند و کتاب‌خوان داریم. تا این تصور القا شود که همه به‌دنبال فهم چیزهایی فراتر از نیازهای اولیه زندگی‌شان هستند اما همان‌طور که از عنوانش پیداست، آنجا یک نمایشگاه است. البته هستند مترجمان و دانشجویانی که از همین نمایشگاه، کتاب‌هایی برای کار و تحقیق تهیه می‌کنند. ولی من با احساس و شم دورادور خودم، چون دستی در قلم دارم و با بازار نشر در ارتباطم، گمان می‌کنم کتاب‌خواندن در جامعه ما رو به مرگ است. از طرفی نیز به علت بالا رفتن قیمت کاغذ، حتی اگر کتابی از ارشاد مجوز گرفته باشد ناشر توان چاپ آن را ندارد. پرسش من به طور جدی از مسوولان فرهنگی این است که آیا واقعا در توضیح وضع موجود شوخی می‌کنند یا به جای آنکه صرفا به تحسین ذخایر فرهنگی گذشته‌مان بپردازند به‌دنبال شکل‌گیری جریان تفکر و پرسشگری در کشور نیز هستند. البته این حرف‌های من به معنای نفی نمایشگاه نیست چرا که همین نمایشگاه‌های سالانه، دولت‌ها را مجبور می‌کند ماهیت آن را بپذیرند. به قول «نیچه» که در مورد اهل فرهنگ گفته بود ژست فرهنگی را اگر تا انتها پی بگیریم متوجه خواهیم شد که کلک پول در میان است. به هر حال من به عنوان کسی که اهل نوشتن هستم به هیچ عنوان راضی نیستم که نمایشگاه ملغی شود. بودن نمایشگاه خوب است اما نباید فراموش کرد که هم نمایشگاه کتاب و هم وضعیت کتاب و کتابخوانی در ایران قابل نقد است.

احسان شریعتی:

با تاسف چنین نیست

نمایشگاه کتاب یک امکان ملی است برای ارایه زحمات پژوهشگران، نویسندگان، ناشران و به طور کلی اهل دانش و فرهنگ، و باید فرصتی باشد تا تمام تولیدات سالانه کشور در اینجا ارایه شود. اما متاسفانه شاهد تبعیضات آشکاری هستیم که در این زمینه آزاردهنده است، چه در مورد شخصیت‌ها و آثار فرهنگی گذشته و حال که امکانات، به هیچ‌وجه منصفانه تقسیم نشده‌اند و چه درخصوص ناشران و مولدان فرهنگی‌ای که یا در آنجا نماینده‌ای ندارند یا به هر دلیل محدودیت‌هایی برای‌شان وجود دارد و آنها که حضور دارند فضایی متناسب با ابعاد تقاضا و نیازهای خوانندگان و علاقه‌مندانشان ندارند. نکته دیگر، نوع تولیدات فرهنگی است که در این نمایشگاه ارایه می‌شود. غالب این محصولات، کتاب‌ها و کالاهایی است که یا از سنخ درسی، دانستنی‌ها، اطلاعات‌عمومی، ادبی-احساساتی، زناشویی، همسریابی، طالع‌بینی، تفریحی، بازی و سرگرمی و...، خلاصه بازاری است یا از سنخ مذهبی سنتی (از نوع مدح و منقبت و روضه و حل مسایل شرعی و فقهی و...). نکته سوم، تخصیص مکان‌ها و غرفه‌ها به ناشرانی است که از اقبال چندانی برخوردار نیستند. اغلب مکان‌ها و غرفه‌های مناسب را یا نهادهای رسمی در اختیار دارند یا ناشران مذهبی سنتی، یا از نوع کتاب‌های اطلاعات عمومی و بازاری. از این‌رو در مجموع، چنین نمایشگاهی متاسفانه قادر نیست به وظیفه اصلی خود که رسالتی فرهنگی و علمی در سطح ملی و بین‌المللی است، جامه عمل بپوشاند. در نتیجه این نمایشگاه حتی بیانگر سطح تولیدات داخلی و کیفیت کارهای علمی، به ویژه در حوزه علوم انسانی-اجتماعی، نیست. خود ما که هرساله غرفه‌ای در نمایشگاه داریم، همیشه در حاشیه و پرت قرار داده شده‌ایم و هیچ‌گاه فضای لازم مورد نیاز، متناسب با میزان مراجعه‌ای که از سوی خوانندگان آثار دکتر شریعتی به بنیاد فرهنگی ناشر او می‌شود، برایمان مهیا نبوده است.

امسال نسبت به سال‌های گذشته شاهدیم که این کاستی‌ها- و بحث درباره آنچه باید باشد و نیست- به غرفه‌های کتاب‌های خارجی هم رسیده است. حال آنکه چنین مواقع و مکان‌هایی باید فارغ از همه مواضع سیاسی و دیپلماتیکی و تحریم‌ها و ...، بتواند در سطح بین‌المللی محلی باشد برای تضارب آرا و ارایه آزاد پژوهش‌ها و تالیفات، تا نیازهای فکری و علمی جامعه جوان ما را برآورد و به شوق آورد... که با تاسف باید گفت چنین نیست.

نگاهی کوتاه به کتاب «ایرانیان، دوران باستان تا دوران معاصر»

روایتی نه‌چندان جدی و جدید از تاریخ ایران

لطف‌الله آجدانی
مورخ و مدرس دانشگاه

کتاب «ایرانیان، دوران باستان تا دوره معاصر» نوشته «دکتر همایون کاتوزیان» را نشر مرکز با ترجمه حسین شهیدی چاپ و منتشر کرده است. این کتاب علاوه بر پیشگفتار و مقدمه و پیوست، شامل ۱۲ فصل است. فصل‌های اول تا ششم کتاب دربردارنده تاریخ ایران باستان تا قرن نوزدهم میلادی است. فصل‌های هفتم تا دوازدهم نیز درباره تحولات تاریخ ایران از قرن نوزدهم تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به نگارش درآمده است. آن‌گونه که نویسنده کتاب در پیشگفتار خود آورده است: «موضوع این کتاب هم چیستی تاریخ ایران و هم چگونگی و چرایی آن است.»

«افسانه‌ها، اسطوره‌ها، تاریخ باستان»؛ «یونانیان، پارتیان، پارسیان»؛ «اعراب، اسلام و ایرانیان»؛ «ترکان و مغولان»؛ «بار دیگر امپراتوری ایران»؛ «فروپاشی و وحدت دوباره»؛ «معمای اصلاح و تجدد»؛ «انقلاب برای قانون»؛ «حکومت استبدادی نوین»؛ «اشغال، ملی شدن نفت و دیکتاتوری»؛ «انقلاب سفید» و «انقلاب بهمن ۱۳۵۷»، به ترتیب فصول دوازده‌گانه کتاب را تشکیل داده‌اند. کاتوزیان همان‌گونه که در مقدمه این کتاب نیز تصریح کرده است، بر آن است تا به اثبات فرضیه جامعه کوتاه‌مدت در تحصیل تاریخ ایران بپردازد. مطابق این فرضیه، حکومت و نیز جامعه ایرانی باوجود تاریخ بلند، آن قادر به اتخاذ تصمیمی بر پایه ملاحظات بلند نبوده است:

ایرانیان
دوران باستان تا دوران معاصر
همایون کاتوزیان
ترجمه: حسین شهیدی
ناشر: مرکز
قیمت: ۱۹۸۰۰ تومان

«تاریخ ایران اگرچه بلند و پرماجراست، در بلندمدت از تداوم برخوردار نبوده بلکه مجموعه‌ای از دوره‌های کوتاه و به هم پیوسته را در برگرفته است.» کاتوزیان با تاکید بر همه‌جانبه‌بودن ماهیت و کارکردهای کوتاه‌مدت جامعه در عرصه‌های مختلف سیاست، اقتصاد و فرهنگ ایرانی که تا حدود زیادی نیز درست به نظر می‌رسد، معتقد است: «ماهیت کوتاه‌مدت جامعه، هم علت و هم معلول غیاب اشرافیت بلندمدت در ایران بود.» وی چشمگیر بودن «غیاب طبقات و نهادهای بلندمدت در تاریخ ایران» را شاه‌کلید فهم و تبیین ماهیت کوتاه‌مدت بودن جامعه ایران و مانع مهم پیش روی توسعه و پیشرفت همه‌جانبه، عمیق و فراگیر و پایدار ایران معرفی می‌کند.

این کتاب بدون تردید اطلاعات ارزشمندی درباره زوایایی از تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از دوران باستان تا دوران معاصر را به خواننده خود ارایه می‌دهد. توصیف و تحلیل کاتوزیان از هویت ایرانی و ایدئولوژی ناسیونالیسم نوین و نیز ایرانی‌گری و نظریه توطئه و شخص‌گرایی و تفاوت‌های آن با مفهوم فردگرایی غربی نیز حتی اگر از پاره‌ای کاستی و نارسایی دور نمانده باشد، بسیار سودمند و روشنگرانه است.

اما با وجود پاره‌ای دستاوردهای ارزشمند کاتوزیان در این کتاب، مبالغه در آن خالی از ساده‌انگاری نیست. ادعای نویسنده در پیشگفتار کتاب در دلالت بر اینکه «موضوع این کتاب، هم چیستی تاریخ ایران و هم چگونگی و چرایی آن است»، این توقع معقول و منطقی را بر می‌انگیزد که باید با کتابی کاملا جدی روبه‌رو باشیم، در حالی‌که توصیف نارسا و کاستی‌های بسیار در این کتاب از یک‌سو و غیبت بسیاری از چراها و پاسخگویی به آنها از سوی دیگر، درستی ادعای نویسنده را با تردیدی جدی روبه‌رو ساخته است. برخلاف ادعای نویسنده در پیشگفتار خود که «مخاطب این کتاب هم خوانندگان عام‌اند و هم کارشناسان»، کتاب را می‌توان و باید به طور عمده برای مخاطبان عام توصیه کرد و نه به متخصصان تاریخ ایران.

نگاهی به منابع استفاده‌شده نویسنده کتاب در فصول شش‌گانه اولیه کتاب، چه به لحاظ کمیت و کیفیت آن، به خوبی از این واقعیت خبر می‌دهد که نویسنده نه به الزامات تحقیق علمی پایبند بوده و نه متخصص تاریخ ادوار تاریخی ایران باستان تا پایان عصر زندیه است. فصول شش‌گانه اولیه کتاب یک رونویسی و مونتاژ کامل از چند کتاب است که نویسنده حتی از ارجاع دادن به آنها نیز خودداری کرده است. در این فصول که از صفحه ۲۵ تا ۱۷۰ کتاب را در برگرفته است، جز ۱۰ مورد پی‌نوشت در اشاره به توضیح جانبی، حتی از یک منبع نیز یاد نشده است. ارجاع ندادن و مستند نبودن نیمی از فصول کتاب حتی به یک منبع، روش تحقیق و اعتبار علمی کتاب را به شدت مورد تردید و در معرض آسیب قرار داده است.

افزون بر آن، فصول شش‌گانه اولیه کتاب به طور عمده محدود به اشاراتی روایی و توصیفی است که آن روایت‌ها و توصیف‌ها در حالی بر حجم کتاب افزوده است که دربردارنده هیچ دستاورد جدیدی نیست. به عبارت دقیق‌تر، کاتوزیان در شش فصل اولیه کتاب هیچ سخن جدی و جدیدی را به خواننده ارایه نداده است. این فصول چیزی بیشتر از کمترین حد از اطلاعات توصیفی و روایی درباره موضوعاتی که توصیف‌های دقیق‌تر و کامل‌تر آنها در منابع متعدد وجود دارد، نیست.

فصول هفتم تا دوازدهم کتاب، در مقایسه با فصول شش‌گانه اولیه کتاب جدی‌تر و سودمندتر است. تحلیل و دستاوردهای کاتوزیان به ویژه درباره مباحث اقتصاد سیاسی تاریخ معاصر ایران بسیار ارزنده و درخشان است. در فصول هفتم تا دوازدهم گرچه کاستی‌ها و چراهای فراوانی دیده می‌شود، تلاش برای پاسخ به آنها نادیده گرفته شده است. کاتوزیان به ویژه درباره روال و زوال قدرت در تاریخ معاصر ایران روشنگری‌هایی را ارایه داده که درخور توجه است. اما پاره‌ای شتابزدگی‌ها و عدم انسجام فکری نویسنده در پرداختن به موضوعات طرح‌شده در کتاب و نیز کوتاه‌نویسی‌هایی را که گاه به عدم تبیین همه‌جانبه، فراگیر و عمیق برخی از رویدادها و تحولات تاریخ معاصر ایران انجامیده را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. تصویر کاتوزیان از چیستی، چگونگی و چرایی جنبش‌ها و نهضت‌هایی چون انقلاب مشروطه، نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی، شیخ محمد خیابانی و کلنل محمد تقی‌خان پسیان، کودتای ۱۲۹۹، زمینه‌های داخلی و خارجی به قدرت رسیدن رضاشاه و نقش مجلس و احزاب سیاسی و نیز نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران و انقلاب سفید و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ایران، یک تصویر توأم با کاستی‌ها و پاره‌ای ناراستی‌ها و بی‌دقتی علمی است. داوری کاتوزیان درباره شیخ فضل‌الله نوری و مواضعش درباره مشروطیت و آزادی و تقلیل آن به این آموزه که «نوری و هوادارانش آزادی را چیزی در حد بی‌بندوباری می‌دانستند»، نمونه‌ای از بدخوانی‌ها و بدفهمی‌های تاریخی کاتوزیان از سرشت علل مخالفت شیخ فضل‌الله نوری با مشروطیت و مواضع او درباره مفاهیمی چون آزادی است. بیشتر اوراق این کتاب در فصل هشتم با عنوان «انقلاب برای قانون» که به انقلاب مشروطیت در ایران پرداخته است، داستان‌سرایی است. در فصل نهم، کاتوزیان هرچند به اجمال اما به درستی و روشنگرانه، ملاحظاتی ارزشمند را درباره حکومت استبدادی، سکولارسازی و تجدد ارایه داده است. ملاحظات کاتوزیان در همان فصل درباره توسعه اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی رضاشاه نیز هرچند از پاره‌ای بی‌توجهی‌های نویسنده درباره عملکرد رضاشاه خالی نیست، درخورتوجه و روشنگرانه است. بدون آنکه بتوان در سودمند بودن پاره‌ای از مباحث کتاب تردیدی کرد، اما در اینکه این کتاب را بتوان یک اثر تحقیقی دارای سرمایه‌های درخشان علمی در تبیین تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تلقی و معرفی کرد، تردید جدی وجود دارد.

دیگر کتاب‌های نشر مرکز

- **نمود خود در زندگی روزمره**
  اروینگ گافمن / ترجمه: مسعود کیانپور / ناشر: مرکز / نوبت چاپ: ۱۳۹۱ / قیمت: ۱۱۹۰۰ تومان
- **فرهنگ اصطلاحات فلسفه سیاسی**
  جان پایک / ترجمه: سیدمحمدعلی تقوی، محمدجواد رنجکش / ناشر: مرکز / نوبت چاپ: ۱۳۹۱ / قیمت: ۱۰۵۰۰ تومان

تازه‌های کتاب پارسه

گفت‌وگوی دو فیلسوف

نزاع بین دو سنت تحلیلی و قاره‌ای در فلسفه، نزاعی دیرپاست. تحلیلی‌ها، قاره‌ای‌ها را متهم می‌کنند به کلی‌بافی و عدم وضوح و مغلق‌نویسی؛ قاره‌ای‌ها نیز تحلیلی‌ها را متهم می‌کنند به ساده‌سازی و فروکاهیدن فلسفه به حوزه‌های دیگر. این اما رویکردی خام و مربوط به کسانی است که تازه پا به وادی فلسفه گذاشته‌اند. همین‌که فرد با فلسفه و مسایل اصلی آن آشنا شود تقابل‌های این‌چنینی رنگ می‌بازد. در واقع نمی‌توان هیچ خط محکم و صلبی بین دو سنت تحلیلی و قاره‌ای کشید و نام‌گذاری و دسته‌بندی این دو سنت، تنها فهمی کلی از فضای فلسفه غرب در قرن بیستم به دست می‌دهد. هر دسته‌بندی مثال‌های نقض خود را نیز درون خود دارد و شک و تردیدهایی نسبت به اصل تقسیم‌بندی به‌وجود می‌آورد. کتاب «ویتگنشتاین و گادامر» می‌کوشد میان دو فیلسوف از این دو سنت مختلف، لااقل در حوزه زبان پیوند برقرار و آنها را به گفت‌وگویی با یکدیگر دعوت کند. در اینجا گادامر، هم همراه و هم منتقد رویکرد ویتگنشتاین به زبان است. آنچه در این کتاب نشان داده می‌شود آن است که از منظر فرهنگی، فیلسوفان هر دو مکتب، توصیف‌ها و فهم‌های متفاوتی از خویشتن را گزینش و ارایه کرده‌اند. گادامر و ویتگنشتاین بر اجتناب‌ناپذیری امر زبانی به‌مثابه نقطه شروع (و نقطه پایان) همه کاوش‌های فلسفی تاکید می‌ورزند. از دیدگاه ویتگنشتاین و گادامر فهم ما از جهان، یکسره زبانی است و همه فعالیت‌ها و اعمال‌مان در نهایت، تحرکاتی در درون پدیده زبان به حساب می‌آیند.

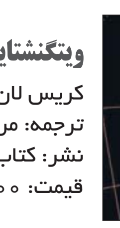

ویتگنشتاین و گادامر
کریس لان
ترجمه: مرتضی عابدینی‌فرد
نشر: کتاب پارسه
قیمت: ۱۱۲۰۰ تومان

این کتاب با زیرعنوان «به‌سوی یک فلسفه زبان پساتحلیلی» شامل هفت فصل است که ابتدا با تحلیلی تاریخی و مفهومی از «سرشت زبان در دو سنت فلسفی» آغاز می‌شود و سپس با تضادها و اشتراکات گادامر و ویتگنشتاین پیش می‌رود. در این کتاب می‌توان به شرح دقیقی از نظرات این دو فیلسوف در حوزه زبان دست یافت.

کتاب «امر اخلاقی و امر متعالی»، یکی دیگر از کتاب‌های نشر کتاب پارسه، تاملات فلسفی سروش دباغ در دو حوزه دین و اخلاق طی سالیان اخیر است. کتاب شامل ۱۴ مقاله است که این مقالات سه‌حوزه اخلاق تجربی، مقولات دینی و عرفانی و کندوکاوهای فلسفی را دربر می‌گیرد. دباغ (با همکاری پرهام مهدیان) در بحث از اخلاق تجربی به مقایسه آرای کانت و ویتگنشتاین متقدم می‌پردازد و این دو فیلسوف را در حوزه اخلاق، ضدواقع‌گرا می‌نامد اما در عین حال گزاره‌های اخلاقی در نظام کانتی بر خلاف نظام ویتگنشتاینی، گزاره‌های ترکیبی-پیشینی‌اند که افاده معرفت می‌کنند؛ به این معنا که می‌توان درباره صدق مرجعیت معرفت‌شناختی آنها به شکل بین‌الاذهانی، بحث کرد. نگارنده پس از جستارهایی اخلاقی، در مقاله «تعبد و مدرن بودن» به مباحث دینی پرداخته و آرای «مصطفی ملکیان» را نقد و بررسی می‌کند.

بخش انتهایی کتاب، کندوکاوهای فلسفی دباغ را دربر می‌گیرد البته به همراه دو مقاله نومینالیسم وجودشناختی و پوپر و سنت فلسفه تحلیلی. به‌طور موجز، فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، تحولات زیادی را از سر گذرانده است. در فضای فلسفی کشور ما نیز، به تبع آنچه در میان اهالی فلسفه مغرب زمین گذشته، فلسفه قاره‌ای هم مخاطب بیشتری دارد و هم در رسانه‌ها بروز و ظهور بیشتری پیدا کرده است. این امر بیشتر از اینکه حاکی از اقبال به فلسفه قاره‌ای و روی‌گردانی از فلسفه تحلیلی باشد، نمایانگر تفاوت میان این نوع فلسفیدن و سنت فلسفی است.

دیگر کتاب‌های نشر پارسه

- **مهاتما گاندی**
  سوسمیتا آرپ / ترجمه: مریم ایزدیان / قیمت: ۶۹۰۰ تومان
- **تصاویر و نمادها**
  میرچا الیاده / ترجمه: محمدکاظم مهاجری / قیمت: ۸۳۰۰ تومان
- **داریوش بزرگ؛ معمار امپراتوری هخامنشیان**
  ایمان نوروزی / قیمت: ۱۴۸۰۰ تومان
- **خشایارشا؛ جهانگشای ناکام هخامنشی**
  ایمان نوروزی / نوبت چاپ: ۱۳۹۲ / قیمت: ۱۴۸۰۰ تومان

بررسی وضعیت نشر کتاب در حوزه اندیشه بر اساس آمار رسمی

نشر از جیب می‌خورد

حامد نیری‌عدل

پذیرش این سخن رییس نمایشگاه کتاب تهران و سرپرست معاونت فرهنگی وزارت ارشاد که «دولت‌های نهم و دهم فرهنگی‌ترین دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بوده‌اند» دست‌کم برای کسانی که در فضای فرهنگی و نشر کشور تنفس می‌کنند یا هرازچندگاهی در راسته کتابفروشان خیابان‌های انقلاب یا کریم‌خان تهران قدم می‌زنند، آسان نیست. علی اسماعیلی، آمار نشر کتاب در هشت سال اخیر را برای درستی سخن خود گواه آورده است. البته در این مورد نیز همانند ادعای کاهش بیکاری در جامعه، آمار و ارقام به کمک مسوولان می‌آید. در آن مورد، دولت با تغییر بعضی تعاریف مانند «کار»، «بیکاری» و... به آمار مورد نظر خود دست یافت، ولی در مقوله نشر و کتاب «ظاهر» امور شکل دیگری دارد.

شمارگان غیرواقعی

برخلاف نشریات که معمولا شمارگان واقعی خود را مخفی می‌کنند، تیراژ کتاب‌ها مخفی نیست. در واقع، ناشران برای دریافت مجوز انتشار یک کتاب از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابتدا باید اطلاعات آن کتاب و از جمله شمارگان آن را در کتابخانه ملی کشور ثبت و فیپای آن را دریافت کنند. این روند به ثبت اطلاعات در زمینه نشر کتاب کمک بسیاری می‌کند، اما این اطلاعات چقدر قابل اعتماد است؟ مدیر یک انتشارات که در زمینه علوم انسانی فعالیت می‌کند، با بیان اینکه تیراژ بسیاری از کتاب‌هایی که منتشر می‌کند واقعی نیست، می‌گوید: در شرایط کنونی و با افزایش بی‌سابقه هزینه‌های نشر، امکان انتشار کتابی با شمارگان سه‌هزار یا دوهزار نسخه برایمان وجود ندارد. حتی بسیاری از کتاب‌ها را با شمارگان ۵۰۰ نسخه منتشر می‌کنیم، اما در شناسنامه کتاب و فیپای آن، شمارگان هزار نسخه را ثبت کرده‌ایم. او ادامه می‌دهد: پس از سال‌ها انتشار کتاب در حوزه فلسفه، علوم اجتماعی و ادبیات که بیشتر آنها در همان سال اول نشر، تجدید چاپ شدند و بعضی نیز از کتاب‌های پرفروش در رشته‌های علوم انسانی هستند، انتشار کتابی با شمارگان اندک در شأن انتشارات ما نیست. به همین دلیل، راه دیگری نداریم جز اینکه تیراژ واقعی بعضی کتاب‌هایمان را اعلام نکنیم. البته تلاش ما این است که تیراژ کتاب‌هایمان از هزار نسخه کمتر نشود، اما هزینه‌ها آن‌قدر زیاد شده که گاه چنین کاری ممکن نیست. نمودار ۱، تیراژ متوسط کتاب در موضوع فلسفه را در دهه گذشته نشان می‌دهد. آمار این نمودار از سایت خانه کتاب، وابسته به معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برداشته شده و نشان می‌دهد متوسط شمارگان کتاب در سال ۱۳۸۰ بیش از سه‌هزارو۸۰۰نسخه برای هر کتاب بوده است، اما با روی کار آمدن دولت نهم، این عدد از سال ۸۴ به بعد به تدریج کاهش یافته است.

سال‌های رونق نشر

نیمه دوم دهه ۷۰ پررونق‌ترین سال‌های نشر در ایران، در دو دهه اخیر بوده است. تعداد عناوین کتاب‌هایی که در کشور منتشر می‌شود، همچنان رو به افزایش است، اما این افزایش به کندی ادامه دارد. نمودارهای دو و سه تعداد عناوین منتشرشده در دهه اخیر را به‌ترتیب در حوزه فلسفه و علوم اجتماعی نشان می‌دهد. این نمودار نشان می‌دهد روند افزایش تعداد عناوین منتشرشده با موضوعات علوم اجتماعی و فلسفه در سال‌های نخست دهه ۸۰، رشدی چشمگیر داشته است مثلا در حوزه علوم اجتماعی، در چهار سال نخست این دهه، تعداد عناوین منتشرشده به ترتیب، ۳۶۲۶، ۱۱۴۸، ۱۲۷۹، ۱۸۲۰ و نهایتا ۶۷۷۷ نسخه بوده است، در واقع، از سال ۸۱ تا ۸۴ (نخستین سالی که دولت محمود احمدی‌نژاد متصدی قوه مجریه کشور شد) با افزایش حدود شش‌برابری کتاب‌های منتشرشده روبه‌روییم. اما از سال ۸۴ تا ۸۹ (یعنی آخرین سالی که آماری دقیق از نشر کتاب در این حوزه منتشر شده است) این عدد فقط ۱/۲ برابر شده است. بنابراین عجیب نیست که ناشران، کتابفروشان، نویسندگان، مترجمان و دیگر فعالان در حوزه نشر هنوز سال‌های ۷۶ تا ۸۴ را بهترین سال‌های نشر در دو دهه اخیر می‌دانند.

از جیب می‌خوریم

یک نویسنده و مترجم که در حوزه فلسفه فعالیت می‌کند، با بیان اینکه دیگر انگیزه چندانی برای نوشتن یا ترجمه ندارد، می‌گوید: ماه‌ها و گاهی سال‌ها، نیرو و زمان خود را برای به‌نتیجه رساندن یک کتاب صرف می‌کنیم، اما گاه بیش از این زمان و انرژی را باید صرف دریافت مجوز از ارشاد کنیم. حذفیات یا تغییر در متن نیز دیگر انگیزه‌ای برای ادامه کار نمی‌گذارد. او ادامه می‌دهد: بسیاری از نویسندگان و مترجمان در این حوزه اکنون فقط به کارهای گذشته دلخوش کرده یا اصطلاحا «از جیب» می‌خورند! بیشتر کتاب‌هایی که اکنون در کتابفروشی‌ها داریم، همان کارهایی است که سال‌ها پیش نوشته یا ترجمه کرده‌ایم و تجدید چاپ شده‌اند. کار جدید، انگیزه می‌خواهد! بررسی درستی یا نادرستی سخنان این نویسنده و مترجم پرکار و شناخته‌شده کار دشواری نیست. آمار «خانه کتاب» از عناوین چاپ اول و تجدید چاپ نشان می‌دهد که میراث «سال‌های رونق نشر» همچنان مورد استقبال بازار کتاب است، مثلا در نخستین سال آغاز به کار دولت اصولگرای احمدی‌نژاد (۱۳۸۴) تعداد عناوین تجدید چاپ شده با موضوع فلسفه بیش از ۳/۷ برابر شده است (نمودار ۴). اما آمار تعداد عناوین چاپ اول با موضوع علوم اجتماعی نشان‌دهنده رشد چندانی نیست.

رده‌بندی‌های گمراه‌کننده

آنچه در آمار و ارقام منتشرشده درباره کتاب‌ها گمراه‌کننده به نظر می‌رسد، نحوه رده‌بندی آنها در موضوعات مختلف است. بر اساس اطلاعاتی که در فیپای کتاب‌ها درج می‌شود، مشخص است که کتابخانه ملی آنها را بر اساس دو رده‌بندی دیویی و کنگره، موضوع‌بندی می‌کند که دارای استانداردهای جهانی هستند. در رده‌بندی کنگره کتاب‌هایی که با موضوعات زیر منتشر شوند، در حوزه علوم اجتماعی قرار می‌گیرند: آمار؛ نظریه اقتصادی؛ تاریخ و شرایط اقتصادی؛ حمل‌ونقل و ارتباطات؛ تجارت و بازرگانی؛ امور مالی بانک، بیمه؛ مالیه عمومی؛ جامعه‌شناسی؛ تاریخ، شرایط، مسایل و نوسازی اجتماعی؛ خانواده، ازدواج، زنان؛ جوامع؛ طبقات، نژادها؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، رفاه اجتماعی، جرم‌شناسی. همچنین بر اساس رده‌بندی دیویی، کتاب‌هایی با موضوعات زیر، در حوزه فلسفه قرار می‌گیرند: متافیزیک، معرفت‌شناسی، علوم غریبه، مکاتب فلسفی، روانشناسی، منطق، اخلاق فلسفی، فلسفه قدیم و فلسفه جدید. به‌این‌ترتیب، عجیب نیست که در فیپای کتاب «آموزش المپیک: آرمان المپیک در آموزش ورزش‌های نوین، تاریخچه و گسترش آموزش المپیک، مفاهیم تعلیمی و روش‌های تدریس» که در سال ۹۱ منتشر شد، «فلسفه» یکی از موضوعات این کتاب ثبت شود. کتاب‌های درسی و کمک‌درسی نیز در این رده‌بندی‌ها و آمارها تفاوتی با کتاب‌های دیگر ندارند، مثلا دوره شش‌جلدی کتاب «آزمون حضوری علوم ارتباطات اجتماعی، ویژه آزمون ارشد» یا «۲۰ آزمون در ۲۰ روز تعلیمات اجتماعی اول راهنمایی» که در سال ۱۳۹۱ منتشر شدند، در آمارهای وزارت ارشاد در حوزه علوم اجتماعی ثبت شده‌اند. با توجه به این موارد، نمودارهای ۲ و ۳ را می‌توان به گونه‌ای دیگر بررسی کرد.

در جست‌وجوی معیار

در زمینه ارایه آمار، یک نکته را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت: در حوزه علوم انسانی و زمینه‌های وابسته به آن، آمار و معیار مشخصی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان فعالیت‌های فرهنگی را ارزیابی کرد. در این میان، نکته‌ای دیگر رخ می‌نمایاند که پرداختن به آن، به دلایل بسیار، دشوار است و البته در افزایش آمار نشر در کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی (فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی و...) نقش بسیاری داشته: حمایت‌های دولت و نهادهای مرتبط دیگر از ناشرانی «ویژه». این ناشران که بعضی از آنها به سازمان‌ها، نهادها یا حتی نویسندگانی «خاص» مرتبط هستند، نه‌تنها از نظر مالی توان انتشار کتاب‌های بسیاری را دارند، بلکه در جشنواره‌ها، جوایز مختلف فرهنگی، نشست‌های نقد و بررسی، برنامه‌های معرفی و نقد کتاب در صداوسیما و... نیز جایی ثابت دارند. بررسی آمار نشر کتاب در ایران، مسلما مستلزم توجه به موارد بسیاری از جمله نحوه فعالیت ناشران خصوصی و دولتی نیز هست. بنابراین گرچه خانه کتاب و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمار نشر کتاب در ایران را در دوره‌های زمانی مختلف و با در نظر گرفتن مولفه‌های مختلف منتشر می‌کنند، اما این اعداد و ارقام فقط «رنگ رخساره»‌ای است که با وجود همه تلاش‌ها، باز هم تا حدی «سِرّ درون» نشر را در کشور نشان می‌دهد.

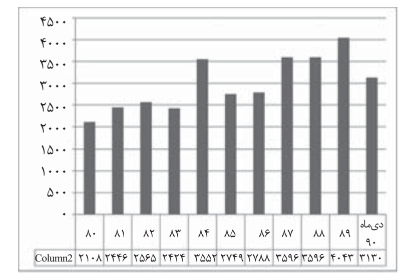

نمودار ۵. تعداد عناوین چاپ اول با موضوع علوم اجتماعی

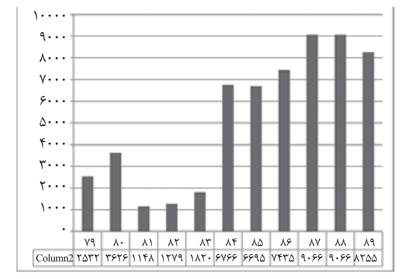

نمودار ۴. تعداد عناوین تجدید چاپ‌شده با موضوع فلسفه

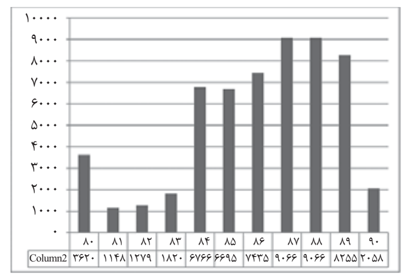

نمودار ۳. تعداد عناوین منتشرشده با موضوع علوم اجتماعی در دهه گذشته

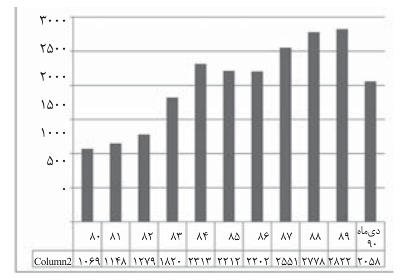

نمودار ۲. تعداد عناوین منتشرشده با موضوع فلسفه در دهه گذشته

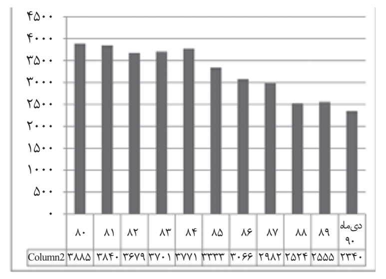

نمودار ۱. تیراژ متوسط کتاب در موضوع فلسفه در دهه گذشته

غایبان نمایشگاه بیست‌وششم

آنها که نیامدند، آنها که نمی‌توانند بیایند...

علی سالم

دستور از بالا

انتشارات «کویر» هم امسال برای سومین سال متوالی توسط وزارت

نظرسنجی

محمدسعید حنایی کاشانی

درباره نمایشگاه کتاب ۹۲

وقتی دوستان «شرق» از من خواستند که چیزی درباره «نمایشگاه کتاب» امسال بگویم یا بنویسم، به یاد آوردم که پیش از این، در سال‌هایی دور چیزی درباره یکی از نمایشگاه‌های کتاب نوشته بودم و در آنجا گفته بودم که به «نمایشگاه» نمی‌روم. درواقع، تا جایی که به یاد می‌آورم سال‌هاست که در هیچ جشن عمومی فرهنگی شرکت نکرده‌ام، از کتاب گرفته تا سینما. از شرکت نکردن در جشنواره‌های فیلم شاید ۲۰ سالی گذشته باشد، اما آخرین باری‌که به نمایشگاه کتاب رفتم، تا جایی که می‌توانم به‌یاد آورم، همراه با «اباذری» بود در سال ۷۵ یا ۷۶، گفت بیا به غرفه کتاب‌های خارجی برویم و با او رفتم و چنان خریدی کردم که تا سال‌ها از خریدم پشیمان بودم: حقوق چندماهم را دادم و کتاب‌هایی خریدم که شاید چندان نیازی نداشتم. من در زندگی‌ام کم برای خرید کتاب یا تماشای فیلم خرج نکرده‌ام و از این بابت پشیمان نیستم، حتی با اینکه از آنچه خریده‌ام و انباشته‌ام گاهی به‌طور کامل استفاده‌ای هم نکرده‌ام، اما اکنون سال‌هاست که حتی بر این حس کنجکاوی و اشتهای خرید یا «خرید درمانی» هم چیره شده‌ام، به دلیلی واضح: دیگر جایی در خانه ندارم. دیگر چقدر می‌شود به قفسه‌های خانه اضافه کرد و دیگر چقدر اتاق در خانه هست؟ شاید آدم نیاز داشته باشد، قبل از خرید کتاب فکر جایش را هم کند، وقتی که دیگر جایی نمانده است؟ شاید من دیگر آنقدر جوان نیستم که کنجکاو هرچیز جدیدی باشم. شاید کتاب‌های الکترونیک و طرح‌های تحقیقاتی شخصی، آنقدر وقت می‌گیرند که دیگر نمی‌توان برای کتاب‌های اتفاقی جایی در نظر گرفت اما دلیل دیگری هم علاوه بر این‌همه هست که حتی برای تماشا هم نمی‌روم. آیا از «ازدحام» گریزانم، یا از «تبلیغات» بی‌معنایی که چون پتک در این‌گونه جاها بر سرم می‌خورد؟ یا وقت و زمانی که هدر می‌رود و در رفت‌وآمدهای خسته‌کننده آدم را فرسوده می‌کند؟ شاید.

یادداشت

تاریخ:

علم «اتصال به ریشه‌ها برای انطباق با نیازها»

زهیر صیامیان گرجی

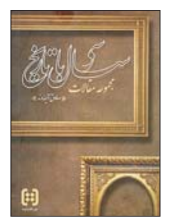

سی سال با تاریخ
صادق آیینه‌وند
نشر: کتاب توت
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

نگاهی به کتاب فلسفه چیست

«دلوز» و پرسوناژهای مفهوم‌ساز

پوریا شیبانی‌راد

فلسفه چیست؟
ژیل دلوز و فلیکس گتاری
ترجمه: زهره اکسیری
پیمان غلامی
قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

دیگر کتاب‌های نشر رخداد نو

نگاهی به خاطرات عنایت‌الله رضا

سِفر حسرت

مزدک دانشور

ناگفته‌ها
خاطرات دکتر عنایت‌الله رضا
در گفت‌وگو با عبدالحسین آذرنگ، علی بهرامیان و...
ناشر: نامک
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان